

ادامه تتبع و بررسی

به محقق بهبهانی هم نسبت داده شد که ترجیح جهتی - و هو مخالفة العامة - مقدم بر همه مرجحات است، به این بیان:

«مع كون احد المتعارضين مخالفاً للعامة نقطع بأن الاخر الموافق لهم اما غير صادر عن المعصوم - عليه السلام - او صدر عن تقية»¹.

محقق خویی نیز تتبع را این گونه ادامه داده است:

«ذكر جماعة: منهم المحقق النائيني (ره) أن ما كان مرجحاً للصدور كالشهرة يقدم على مرجح جهة الصدور و المضمون. و ما كان مرجحاً لجهة الصدور يقدم على مرجح المضمون، فمثل مخالفة العامة يقدم على الترجيح بموافقة الكتاب و ذكر في وجه ذلك أن اعتبار مرجح جهة الصدور فرع اعتبار صدور المتعارضين اذ مع عدم إحراز الصدور لا تصل النوبة الى ملاحظة جهة الصدور كما ان اعتبار مرجح المضمون فرع اعتبار صدورهما لبيان الحكم الواقعي فما ذكرناه هو مقتضى الترتيب الطبيعي بين المرجحات»².

محقق خراسانی هم بنا بر هر دو فرض تعدی از مرجحات منصوص و عدم تعدی، قائل به عدم ترتیب است. شنیدنی این که ایشان از مثل مقبوله ابن حنظله و مرفوعة زرارة هم که آشکارا برداشت ترتیب می شود، چنین برداشتی نمی کند. دقت کنید:

«مع امکان ان يقال: ان الظاهر كونهما كسائر اخبار الترجيح بصدد بيان ان هذا مرجح و ذاك مرجح و لذا اقتصر في غير واحد منها على ذكر مرجح واحد...»³ فتامل⁴.

نزاعی دوم و سوم در دل نزاع در ترتیب مرجحات

در مسأله ترتیب مرجحات به دو نزاع دیگر نیز برمی خوریم که قابل پیگیری و تحقیق است؛ بدین قرار:

اختلاف در مدیریت مرجحات، شمارش و ماهیت شناسی آنها

با مراجعه ای ساده به متون اصولی شیعه به اختلاف در مدیریت، شمارش و ماهیت مرجحات پی می بریم! شاید کسی که بیش از همه در این باره تلاش کرده، میرزا حبیب الله رشتی است.⁵

1. مصباح الاصول، ج 3، ص 419.

2. همان.

3. کفایة الاصول، ج 2، ص 411.

4. اشاره به این که شاید مراد ایشان از ظهور (ان الظاهر کونهما) ظهور ثانوی و مستند به دلیل ثانوی باشد نه ظهور مستند به خود دو روایت فی انفسهما.

5. ر.ک : بدائع الافکار، المقام الثانی، از ص 436.

شیخ انصاری هم در این میان مرجحات را به داخلی و خارجی تقسیم کرده و اقسام سه گانه مرجحات راجع به صدور، وجه صدور و مضمون را از اقسام مرجح داخلی به حساب آورده است؛ از این رو برای مرجح راجع به مضمون به مثل «منقول باللفظ بالنسبة الى المنقول بالمعنى» مثال زده است⁶ نه به مثل موافقت با کتاب که از اقسام و مثالهای مرجح خارجی است و این در حالی است که مثل محقق نائینی⁷ و خویی⁸ برای مرجح راجع به مضمون به موافقت یکی از معارض ها با قرآن، مثال زده اند. در ادامه، رأی نهایی را در مسأله بیان خواهیم کرد.

برگشت همه مرجحات به مرجح سندی، آری یا نه؟

بدون تردید لحن عموم باحثان اصولی - هر مسلکی که در مدیریت ترتیب مرجحات داشته باشند - این است که مرجحات به یک نقطه کانونی بر نمی گردند و اندک کلمات نقل شده توسط ما در همین گفتار، شاهد این ادعاست. لکن در مقابل، این ادعا را داریم:

«أن المزايا المرجحة لاحد المتعارضين الموجبة للأخذ به و طرح الاخر - بناء على وجوب الترجيح - و إن كانت على أنحاء مختلفة و مواردھا متعددة، من راوی الخبر و نفسه و وجه صدوره و متنه و مضمونه مثل: الوثيقة و الفقاهة و الشهرة و مخالفة العامة و الفصاحة و موافقة الكتاب و الموافقة لفتوى الاصحاب، الى غير ذلك مما يوجب مزية في طرف من أطرافه، خصوصا لو قيل بالتعدى من المزايا المنصوبة الا أنها موجبة لتقديم أحد السندين و ترجيحه و طرح الآخر فإن أخبار العلاج دلت على تقديم رواية ذات مزية في احد اطرافها و نواحيها. فجميع هذه من مرجحات السند حتى موافقة الخبر للتقية فانها ايضا مما يوجب ترجيح أحد السندين و حجيته فعلا و طرح الاخر رأسا و كونها في مقطوعی الصدور متمحضة في ترجيح الجهة لا يوجب كونها كذلك في غيرهما ضرورة أنه لا معنى للتعبد بسند ما يتعين حمله على التقية فكيف يقاس على ما لا تعبده فيه للقطع بصدوره؟!»⁹

محقق عراقی نیز هم اندیش با محقق خراسانی است؛ با این مزیت که به جای تعبیر به «ترجیح سندی»، تعبیر به «ترجیح صدوری» می کند و در آخر به این نکته اشاره می کند: «...رجوع [ترجع] المرجحات الى الترجيح الصدوري... غاية الامر يختلف وجه ترجيح السند في هذه المرجحات من كونه تارة لاجل قوة احتمال الصدور و اخرى لأجل قوة المضمون و ثالثة لاجل قوة الجهة. نعم انما تتمحض المخالفة للعامة في الترجيح بالجهة في ما اذا كان الخبران مقطوعی الصدور و لكن ذلك لا يقتضى كونها كذلك حتى في غير مقطوعی الصدور»¹⁰.

6. فرائد الاصول، ج 4، ص 80.

7. فوائد الاصول، ج 4، ص 779.

8. مصباح الاصول، ج 3، ص 419.

9. كفاية الاصول، ج 2، ص 410 و 411.

10. نهاية الافكار، قسم دوم از جزء چهارم، ص 200 و 201.